

خاورشناسان و نظریه تحریف قرآن منتسب به شیعه

دکتر سیدعلی اکبر ربیع تاج*

چکیده

بیشتر عالمان و دانش‌مندان شیعه و سنی نظریه وحیانی بودن قرآن و نگارش آن به وسیله کاتبان وحی و مصونیت آن از تحریف تأیید کرده‌اند. اما خاورشناسان، با انگیزه‌های گوناگون مطالعاتی در زمینه قرآن انجام داده و بعضی نظریه تحریف قرآن را پذیرفته و گفته‌اند که قرآن پس از رحلت پیامبر ﷺ دست‌خوش تحریف گردید. عده‌ای مانند گلدزیهر میجاری و بول انگلیسی، شیعه را به تحریف قرآن متهم کرده، می‌گویند: شیعه بر این اعتقاد است که آیاتی در فضایل اهل بیت (علیهم‌السلام) در قرآن موجود بوده و در زمان جمع‌آوری قرآن در مصحف عثمانی آن را حذف کرده‌اند. گروهی دیگر کیفیت جمع قرآن را به‌گونه‌ای مطرح می‌کنند که قرآن در این جمع، افزایش و یا کاهش یافته است. «اتان کلب‌رگ» با استناد به نوشته‌های بعضی از بزرگان شیعه مانند علی بن ابراهیم قمی، فرات کوفی، میرزا حسین نوری و...، نظریه تحریف قرآن را مطرح می‌کند.

این نوشته، خاستگاه و انگیزه طرح نظریه تحریف قرآن به‌وسیله خاورشناسان را آسیب‌شناسی می‌کند و ادله آنها را پاسخ می‌دهد. نویسنده در این مقاله به این نتیجه می‌رسد که نظریه تحریف قرآن به‌وسیله دشمنان دین به‌ویژه یهودیان، به‌منظور ایجاد شکاف میان مسلمانان طراحی گردید.

واژگان کلیدی

تحریف، نظریه، قرآن، بررسی.

* استادیار دانشگاه مازندران.

مقدمه

قرآن مجید بدون هیچ کاستی به دست ما رسیده است. عموم دانش مندان اهل سنت و شیعه در این مورد اتفاق نظر دارند. آیه حفظ «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون»^۱ و آیه وارد نشدن باطل در قرآن «و انه لکتاب العزیز لایأتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل من حکیم حمید»^۲ و اخبار ثقلین «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی ما ان تمسکتُم بهما لن تضلوا ابداً و اَنتَهما لن یفترقا حتی یردوا علی الحوض»^۳. جو از قرائت هر سوره در نماز و اخبار سنجش روایات با قرآن مانند «کل حدیث لایوافق کتاب الله فهو زخرف»^۴ و حجیت ظواهر قرآن و... بر نبود تحریف در قرآن دلالت دارد.^۵

اما در قرون اخیر، تعدادی از دانش مندان غیرمسلمان و خاورشناسان، با انگیزه های گوناگون در زمینه قرآن مطالعاتی انجام داده اند. برخی و حیانی بودن قرآن را اثبات کرده اند و تعدادی در منابع و مصادر قرآن و کیفیت جمع آن شبهاتی وارد ساخته اند. دسته ای نظریه تحریف قرآن را نپذیرفته و ادعا کرده اند که قرآن پس از رحلت پیامبر اسلام ﷺ دست خوش تحریف گردید.

این مقاله در مورد نظریه تحریف قرآن از منظر خاورشناسان تحقیق می کند و به این سؤال ها پاسخ می دهد:

الف) منشأ و خاستگاه قول به تحریف قرآن از دیدگاه خاورشناسان کدام است؟

ب) خاورشناسان در نظریه تحریف قرآن چه شبهاتی را مطرح کرده اند؟

خاستگاه نظریه تحریف قرآن

خاستگاه و منشأ نظریه تحریف قرآن از در سخن خاورشناسان از موارد ذیل

سرچشمه می گیرد:

۱. سوره حجر، آیه ۹.

۲. سوره فصلت، آیه ۴۲.

۳. وسایل الشیعه، ۷۹/۱۸.

۴. نک، ابوالقاسم خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، ۲۰۷-۲۲۰ و محمد هادی معرفت، صیانه القرآن من التحریف، ۳۵-۵۹.

۱. تحریف سایر کتب آسمانی

احتمالاً نظریه تحریف قرآن از این جا ناشی می شود که دانش مندان دیگر ادیان، به تحریف کتب مقدس اعتقاد دارند و معتقدند که، چهارتن از حواریون اناجیل اربعه را پس از رحلت حضرت عیسی علیه السلام تألیف کرده اند و مسافرت ها، زندگی و نصایح آن حضرت را نوشته اند^۱ و حتی میان اناجیل اربعه تناقضاتی دیده می شود.^۲

یهودیان نیز مجموعه خاصی تحت عنوان کتاب نازل شده بر حضرت موسی علیه السلام معرفی نمی کنند و امروز جز آن چه بعضی از افراد به تبعیت از اوضاع و احوال موجود به میل خود باقی گذاشته اند، چیزی در دست نداریم.^۳ تنها مسلمانان هستند که ادعا دارند قرآن در زمان حیات پیامبر نوشته و جمع گردیده و هم چنان سالم و بدون تحریف باقی مانده است.^۴

به ویژه قرآن بیان می دارد که اهل کتاب به سبب منافع قلیل، چیزهایی نوشتند و آن را به خدا نسبت دادند **﴿فویل للذین یکتبون الکتاب بایدیهیم ثم یقولون هذا من عندالله لیشتروا به ثمناً قلیلاً﴾**^۵ قرآن صریحاً می گوید که آنها کتابشان را تحریف کردند **﴿یحرفون الکلم عن مواضعه﴾**^۶.

این بیان قاطع قرآن، برای خاورشناسان متعصبی چون «اف بول»^۷ که اعتقاد دارد عهدین، هنوز دست نخورده و بدون تحریف باقی مانده، غیرمنتظره بود. به همین دلیل و یا به دلیل حسادت بر پیامبر صلی الله علیه و آله **﴿ایحسدون الناس علی ما اتیههم الله من فضله﴾**^۸ خرده می گیرد و قرآن را به تحریف متهم می سازد.^۱

۱. *صیانه القرآن عن التحریف*، ص ۱۲۶-۱۲۷؛ موریس بوکای، *مقایسه میان تورات، انجیل، قرآن و علم*، ترجمه ذبیح الله دبیر، ص ۷.

۲. همان، ص ۸.

۳. همان، ص ۲۳.

۴. *البيان فی تفسیر القرآن*، ص ۲۰۰؛ سیدجعفر مرتضی عاملی، *حقائق هامه حول القرآن الکریم*، ترجمه محمد سپهری، ص ۲۷؛ میرمحمدی، *بحوث فی تاریخ القرآن و علومه*، ص ۳۲۰-۳۲۴.

۵. سوره بقره، آیه ۷۹.

۶. سوره نساء، آیه ۴۹.

7. F. Buhl.

۸. سوره نساء، آیه ۵۶.

۲. اهداف تبشیری و سیاسی

خاورشناسان در پژوهش و کاویدن مسائل شرق، اهداف یکسان و همانند نداشته‌اند، بلکه انگیزه‌های شرق‌شناسی را می‌توان به انگیزه تبشیری، سیاسی، تجاری و علمی طبقه‌بندی کرد.^۲

بعضی از خاورشناسان به این منظور در شرق پژوهش می‌کنند تا مسلمانان را به دین و اعتقادشان بدین سازند. آنها می‌کوشند با ایجاد شبهه درباره اسلام و قرآن، ایمان آنها را به دین‌شان سست کنند تا مقدمات پذیرش دین مسیح را در میان آنها فراهم سازند.^۳

گروهی دیگر، اهداف سیاسی دارند و وجود اسلام ناب و حقیقی را سد راه منافع خویش می‌بینند، لذا سعی می‌کنند با طرح نظریه تحریف، اعتقاد مسلمانان را به قرآن ضعیف سازند. ادوارد سعید، علت تهاجم گسترده خاورشناسان علیه اسلام را اندیشه جهادی اسلام معرفی می‌کند و می‌گوید:

آنچه در پس همه این تصاویر و چهره‌ها در کمین نشسته است، همانا تهدید جهاد می‌باشد و در نتیجه آن، ترس از این‌که بالاخره مسلمانان (یا اعراب) دنیا را خواهند گرفت.^۴

«لورانس براون»^۵ می‌نویسد:

خطر حقیقی در نظام اسلامی نهفته است، در توانی که اسلام برای گسترش و پذیرش دارد در زنده‌بودن دین اسلام است. اسلام تنها مانع و دیوار بزرگ در برابر استعمار اروپاست.^۶

از این رو، استعمارگران و قدرت‌های بزرگ جهانی، چون تعالیم قرآن را سد راه دست‌یابی به منافع خود می‌بینند، می‌کوشند، ذهن مسلمانان را در مورد قرآن، با القای شبهه تحریف، بدبین سازند، لذا مرکز اسلام یعنی قرآن را تخریب می‌کنند و به آن هجوم می‌آورند.

۱. دایرةالمعارف الاسلامیه، مقاله تحریف، ج ۴، ص ۶۰۲؛ چاپ لیدن.

۲. محمدحسین علی‌الصغیر، دراسات قرآنیة، المستشرقون والدراسات القرآنیة، ص ۱۵-۲۱.

۳. همان، ص ۱۵.

۴. شرق‌شناسی، ص ۵۱۱.

5. Lawrence Brown.

۶. الاسلام والمستشرقون، ص ۳۶.

۳. وجود روایات ضعیف در زمینه تحریف قرآن

روایاتی وجود دارد که بیان‌کننده تحریف قرآن است. کتاب‌های *الاتقان فی علوم القرآن* در نوع ۴۷ و «*صيانة القرآن عن التحريف*» این روایات را نقل و احیاناً نقد کرده‌اند. در مورد این دسته از روایات می‌توان گفت:

- بعضی از روایات بیان‌کننده تحریف معنوی قرآن هستند و ادعا می‌کنند تحریف معنوی قرآن را همگان قبول دارند.

- دسته‌ای دیگر، بیان‌کننده وجود اختلاف در قرائت و حرکات است که قبل از جمع قرآن به وسیله عثمان، اتفاق افتاد و عثمان دستور داد تا قرآن را به قرائت واحدی جمع کنند.

- روایاتی که وجود افزایش در قرآن بیان می‌کنند. این چنین روایات صحیح نیست و دانش‌مندان فریقین در مورد آن اتفاق نظر ندارند.

- برخی از روایات بیان‌کننده وجود کاهش در قرآن است. این دسته از روایات به شدت ضعیف و در زمره خبر واحد است و به آنها نمی‌توان عمل کرد.^۱ امام خمینی روایات جمع قرآن را به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱. روایات ضعیف که با آنها نمی‌توان استدلال کرد؛

۲. روایات ساختگی که شواهد جعلی بودن در آنها نمایان است؛

۳. روایات صحیح که اگر در مفاد آنها کاملاً دقت گردد، روشن می‌شود که مقصود از تحریف در این روایات، تحریف معانی آیات قرآن است نه تغییر الفاظشان.^۲

گلدزیهر^۳ به این دسته از روایات ضعیف و ساختگی تکیه کرده، می‌گوید:

شیعه اعتقاد دارد که در مصحف عثمانی نسبت به اصل قرآن نازل شده بر پیامبر ﷺ اضافات و تغییراتی دیده می‌شود.^۴

در جای دیگر می‌گوید:

۱. *البيان في تفسير القرآن*، ص ۲۳۰-۲۳۵، *صيانة القرآن من التحريف*، ص ۱۴۷-۲۰۵.

۲. *تهذيب الاصول*، ج ۲، ص ۹۶.

3. Gold ziher.

۴. *مذهب التفسير الاسلامي*، ص ۲۹۳.

شیعه روایاتی را می‌آورد که قرآنی که بر پیامبر ﷺ نازل شد، اطول و مفصل‌تر از قرآن فعلی است مثل سوره احزاب که الان ۷۳ آیه دارد، اما براساس نص سابق معادل سوره بقره بود و سوره نور الان ۶۴ آیه دارد ولی قبلاً بیش از صد آیه داشت و سوره حجر الان ۹۹ آیه دارد اما قبلاً ۱۹۰ آیه داشت.^۱

نکته تأمل برانگیز این جاست که خاورشناسان، به این دسته از روایات تمسک می‌کنند و شیعه و سنی را به تحریف قرآن به وسیله یک‌دیگر متهم می‌نمایند. اف- بول نیز می‌گوید:

شیعیان اصرار می‌ورزند که اهل سنت، آیاتی از قرآن را که مؤید مذهب شیعه است، حذف نموده و به آن افزوده‌اند چنان‌که اهل سنت هم همین ادعا را نسبت به شیعه دارند.^۲

آیت الله خویی درباره بعضی از این دانش‌مندان که ناخودآگاه تحت تأثیر تبلیغات قرار می‌گیرند و بدون دلیل و تحقیق، گروه مخالف را به تحریف قرآن متهم می‌کنند، عمل آن‌ها را تفرقه میان مسلمانان، و از وساوس شیاطین می‌داند. او می‌گوید:

الوسی در تفسیر آیه «كُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ...» می‌نویسد که شیعه، خوردن و آشامیدن را تا طلوع خورشید در سحر ماه مبارک رمضان جایز می‌داند.

او پس از نقل این موضوع بیان می‌دارد:

الوسی با چه مدرکی و استنادی این قضیه را به شیعه نسبت داده است؟ به خدا قسم که این نسبت‌ها و امثال آن، تفرقه میان مسلمین ایجاد می‌کند و دشمنانش را بر آن‌ها مسلط می‌گرداند و شاید از دسایس شیطان باشد!^۳

پس برای ایجاد اتحاد میان مسلمانان، هوشیاری و توانایی علمی و فکری لازم است و نباید هر سخن را از هرکس پذیرفت، بلکه علاوه بر دقت در

۱. همان، ص ۲۹۴.

۲. دائرة المعارف الاسلامیه، مقاله تحریف، ۶۰۸/۴، چاپ لیدن.

۳. البیان فی تفسیر القرآن، ص ۵۲۲.

«ماقال»، ریشه‌یابی سندی «من قال» باید صورت گیرد و به دانش رجال و علم‌الحديث باید مسلط شد.

بررسی نظریه‌های تحریف قرآن

برخی خاورشناسان در بیان نظریه تحریف قرآن، اختلاف سور در مصاحف صحابه را مطرح کرده‌اند. به اعتقاد آن‌ها، تعداد سوره‌های قرآن در مقایسه با تعداد سوره‌های مصاحف صحابه اختلاف دارد و این اختلاف، دلالت‌کننده تحریف در قرآن کریم است. اکنون نظریه آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

نظریه افزایش در قرآن

به اعتقاد تعدادی از خاورشناسان، مقایسه قرآن فعلی با مصاحف بعضی از صحابه، نشان می‌دهد که در قرآن فعلی، تحریف به معنای افزایش رخ داده است. آن‌ها برای اثبات ادعای خویش، به مدارک غیرمستند متمسک می‌شوند. مونتگمری وات می‌گوید:

عبدالله بن مسعود سوره معوذتان را در مصحف خویش نمی‌نوشت و می‌گفت: این دو از قرآن نیستند.^۱

رژی بلاشر^۲ خاورشناس فرانسوی می‌گوید:

در میان متکلمان معتزلی، برخی که به مفهوم یک خدای عادل و مهربان وفادار بودند، از قبول این که نفرین‌ها و سرزنش‌های قرآن بر علیه دشمنان شخصی پیامبر ﷺ را وحی الهی بدانند، استنکاف ورزیدند؛ زیرا این نفرین‌ها را با عظمت وحی سازگار نمی‌دانستند. منظور سوره مسد می‌باشد.^۳

وی پس از نقل این سخن می‌گوید:

این انتقادات، موجب می‌شود که ما استنتاج کنیم، این اضافات بشری

۱. مقدمة القرآن، ص ۶۷، نقل از آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره، ص ۴۰۸.

2. Regis blacher.

۳. در آستانه قرآن، ترجمه محمود رامیار، ص ۲۰۸.

در متن الهی محض هستند. رؤسای خوارج انکار می کردند که سوره یوسف متعلق به قرآن باشد؛ زیرا می گفتند: آن سوره داستان ساده ای است و قابل قبول نیست که داستانی ساده جزء قرآن باشد. از طرف دیگر، معتزلی های خوارج یعنی عجارده (پیروان عبدالکریم بن عجرد از بزرگان و رؤسای خوارج)، انکار می کردند که سوره یوسف متعلق به قرآن باشد؛ زیرا آن سوره داستان ساده و عشقی است و قابل قبول نخواهد بود که داستان عشقی جزء قرآن باشد.^۱

پس معلوم می شود که به اعتقاد تعدادی از خاورشناسان، سوره معوذتین در قرآن ابن مسعود نبوده و به قرآن فعلی اضافه شده و سوره تبّت، نفرین های خداوند علیه دشمن شخصی پیامبر ﷺ است و سوره حضرت یوسف داستان عشقی بوده و سوره عشقی، امکان ندارد بخشی از قرآن باشد؛ پس این سوره ها جزء قرآن نبوده و بر قرآن اضافه گشته اند. برخی مانند کازانوف^۲ آیه ۴۴ سوره آل عمران ﴿و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات قتل انقلبتم على اعقابكم...﴾ را کلام ابوبکر می دانند. و آیه ۱۲۵ سوره بقره ﴿واتخذوا من مقام ابراهيم مصلی﴾ را کلام عمر بن خطاب تلقی می کنند.^۳

بررسی نظریه افزایش در قرآن

دانش مندان اسلامی در موضوع تحریف قرآن بحث کرده و آثاری ارزش مند از خود به جای گذاشته اند. آنها تحریف به معنای افزایش در قرآن، کریم را به اتفاق رد کرده اند. آیت الله خوئی می گوید:

تحریف به معنای افزایش و زیادت در قرآن به اجماع مسلمین باطل است.^۴

شیخ توسی می گوید:

اصلاً شایسته نیست که در باره افزایش یا کاستی قرآن سخنی بگوییم

۱. همان، ۲۰۸.

2. Casanufa.

۳. غازی عنایه، شبهات حول القرآن و تفنیدها، ص ۴۳.

۴. البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۰۰.

زیرا بطلان ادعای افزایش قرآن مورد اجماع مسلمین است و شیعیان نیز همین نظر را دارند.^۱

امین الاسلام طبرسی نیز همین نظر را پذیرفته، بطلان افزایش در قرآن را اجماع و اتفاق مسلمانان می‌داند.^۲

اما این که شخصیت جلیل‌القدری هم چون ابن مسعود مخالف معوذتین باشد، کذب محض است. امام نووی می‌گوید:

مسلمانان اجماع کرده‌اند که سوره حمد و معوذتین جزء قرآن است و هرکس چیزی از قرآن را منکر شود، کافر است و اما آنچه از ابن مسعود نقل کرده‌اند باطل است و صحیح نیست.^۳

ابن مسعود از حافظان و قاریان معروف قرآن و از کاتبان مشهور وحی بود.^۴ فقدان کتابت معوذتین و سوره حمد در مصحف ابن مسعود دلیل انکار او نیست؛ زیرا آن وقت قرآن را به دلیل خوف از نقص یا ترس از افزایش می‌نوشتند و ابن مسعود چون می‌دانست این سوره‌ها مشهورند و کسی این‌ها را فراموش نمی‌کند و در ذهن‌ها می‌ماند، در مصحف خویش نیاورده است.^۵ به علاوه، بعضی از قاریان معروف مثل عاصم بن ابی النجود، حمزة بن حبیب زیات، ابوالحسن علی بن حمزه کسایی و ابومحمد خلف بن هشام که سلسله اساتید آن‌ها به ابن مسعود و به رسول الله ﷺ می‌رسید، معوذتین و سوره حمد را قرائت کرده‌اند.^۶ این موضوع ثابت می‌کند که ابن مسعود معوذتین و سوره حمد را قبول داشته و منکر آن‌ها نبوده است.

فخر رازی می‌گوید:

این که معوذتین جزء قرآن نیست، از ابن مسعود به صورت ضعیف در بعضی از کتب قدیمی آمده که قابل استناد نیست. به علاوه، چون ما

۱. التبیان فی تفسیر القرآن، ۳/۱.

۲. مجمع البیان، ۱۵/۱.

۳. شبهات حول القرآن و تفنیدها، ص ۴۳.

۴. محمد هادی معرفت، تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۲۱۱-۲۱۳.

۵. عمر بن ابراهیم رضوان، آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره، ص ۴۱۰.

۶. همان، ص ۴۱۱، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۷۹.

قرآن را متواتر در زمان صحابه می‌دانیم، انکار قسمتی از آن موجب کفر خواهد شد.^۱

ابن حزم اندلسی نیز این موضوع را دروغ می‌داند و می‌گوید:

قرائت عاصم که از «زرعان» نقل کرده و او از ابن عباس گرفته، شامل این دو سوره می‌شود و این خود شاهی است که ابن مسعود به قرآنیت این دو سوره اعتقاد داشته است.^۲

قاضی ابوبکر باقلانی می‌نویسد:

اگر واقعاً ابن مسعود این دو سوره را که همه صحابه قبول داشتند و جزء قرآن می‌دانستند، انکار می‌کرد، قطعاً در این باره با وی مناظره می‌کردند. حال این که هیچ‌گونه مناظره‌ای در این باره نقل نشده است.^۳

اما این که بعضی خاورشناسان به نقل از عجارده خوارج، داستان سوره یوسف را داستانی عاشقانه مطرح کرده‌اند و گفته‌اند که این داستان امکان ندارد جزء قرآن باشد، ادعای بدون دلیل محسوب می‌شود و داستان یوسف سرشار از منابع تربیتی و اخلاقی است.^۴

سوره تبت فحش نیست. فحش در اسلام محکوم است و قرآن می‌گوید:
شما مؤمنان به آنان که غیر خدا را می‌خوانند فحش و دشنام ندهید
زیرا مبدا آن‌ها از روی جهالت و نادانی به خدایان شما دشنام دهند.^۵

چگونه ممکن است قرآن، مؤمنان را از دشنام کافران برحذر دارد، ولی خود به کفار دشنام گوید. سوره مسد آن‌چنان که گلدزیهر به غلط پنداشته، دشنام به کافران نیست، بلکه اندرز و وعید به ابولهب و همسر اوست که به دشمنی و آزار پیامبر ﷺ پرداخته‌اند.^۶

۱. الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۷۹.

۲. همان، ج ۱، ص ۷۹.

۳. اعجاز القرآن، ص ۲۶۲.

۴. نک: رساله تحلیل تربیتی و اخلاقی سوره یوسف، دانشکده علوم قرآنی آمل، استاد راهنما دکتر ربیع‌نجاج.

۵. سوره انعام، آیه ۱۰۸.

۶. مجمع‌البیان، ص ۳۰، ص ۵۵۹-۵۶۰.

آیه: «و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل»^۱ و آیه: «واتخذوا من مقام ابراهیم مصلی»^۲ کلام ابوبکر و عمر نیست که به قرآن اضافه شده است. بلکه هیچ گونه دلیلی بر چنین ادعا وجود ندارد. آیه اول در جنگ احد پس از شایعه قتل پیامبر ﷺ و فرار بعضی از میدان نبرد نازل گردید.^۳

گویند این آیه را ابوبکر پس از رحلت پیامبر ﷺ تلاوت کرد که بعضی از اصحاب در رحلت او دچار تردید شدند. صرف تلاوت نمی تواند دلیل این باشد که آیه کلام اوست.^۴ آیه دوم زمانی نازل شد که عمر از پیامبر ﷺ تقاضا کرد که مقام ابراهیم را مصلی برگزیند و به دنبال این تقاضا آیه نازل شد و مسلمانان را امر کرد که مقام ابراهیم را مصلی انتخاب کنند.^۵ سیوطی نیز این جریان را تأیید می کند و حدیثی را از بخاری از انس نقل می نماید که عمر گفت:

با پروردگارم در سه مورد موافق بودم: یکی این بود که گفتم ای رسول خدا، ای کاش مقام ابراهیم را مصلی می گرفتیم و آیه «واتخذوا من مقام ابراهیم مصلی» نازل شد.^۶

این روایت به فرض صحت، نشان می دهد که سؤال عمر سبب نزول آیه بوده نه این که آیه جزء کلام عمر بوده و در قرآن اضافه شده است.

در مورد آیه دوم، ابن سعد در طبقات روایتی آورده است که در روز احد، مُصْعَب بن عُمیر پرچم اسلام را با دست راست خویش حمل می کرد. پس دست راستش را قطع کردند، سپس پرچم را با دست چپ خود گرفت و آیه «و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم» را تلاوت می کرد. پس دست چپ او را قطع کردند، پرچم را با دو بازویش به سینه چسباند و آیه «و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۴۴.

۲. سوره بقره، آیه ۱۲۵.

۳. همان، ج ۳، ص ۵۱۳.

۴. غازی عنایه، شبهات حول القرآن و تفنیدها، ص ۴۴.

۵. همان، ص ۴۵.

۶. الاتفاق فی علوم القرآن، ۱/۱۲۷.

اعقابکم» را می‌خواند، سپس او را به شهادت رساندند. آن‌گاه پرچم به زمین افتاد و در هنگام، آیه فوق نازل گردید.^۱

نظریه نقص و کاستی در قرآن

برخی از خاورشناسان، با استناد به شواهد تاریخی و با بهره‌گیری از احادیث ضعیف و ساختگی، وجود کاهش و نقصان در قرآن فعلی را مطرح می‌سازند. آن‌ها در اثبات نظریه تحریف شبهات ذیل را بیان می‌کنند:

۱. تشکیک در سوره خلع و حقد

به اعتقاد برخی خاورشناسان، در مصحف ابی‌بن‌کعب ۱۱۵ سوره از قرآن موجود بود، وقتی مسلمانان قرآن را جمع می‌کردند، آن دو سوره را در مصحف خویش نیاوردند.^۲

آن دو سوره عبارتند از:

- سوره خلع: بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم انا نستعينك و نستغفرک و نشئ علیک ولا نکفرن و نخلع و نترک من یفجرک.^۳

- سوره حقد: اللهم ایاک نعبد و لک نصرلی و نسجدو الیک نسعی و نحفد، نرجوا رحمتک و نخشی عذابک ان عذابک بالکفار ملحق.^۴

آن‌ها برای اثبات مدعای خویش دلیلی ذکر نمی‌کنند و صرفاً نبود دو سوره خلع و حقد در قرآن فعلی را دلیل کاستی در قرآن می‌دانند، درحالی‌که نسبت دادن قرآنیت این دو سوره به ابی‌بن‌کعب، ادعای بدون دلیل است و بعید به نظر می‌رسد از صحابه بزرگی چون ابی‌بن‌کعب که حافظ، کاتب و قاری قرآن بود، آن‌را در مصحف خویش جای دهد.^۵ احتمال می‌رود ابی‌بن‌کعب این دو

۱. بر حدیث ابن سعد، این شبهه وارد می‌شود که چگونه آیه‌ای را که هنوز نازل نشده مصعب بن عمیر از قبل می‌دانست و آن را زیر لب زمزمه می‌کرد.

۲. آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره، ص ۴۱۲.

۳. الاتقان فی علوم القرآن، ۲۲۶/۱.

۴. همان، ۲۲۷/۱.

۵. شبهات حول القرآن و تفنیدها، ص ۵۱.

سوره را که محتوای آن‌ها دعا بود، در مصحف خویش جای داده تا مردم به آن مواظبت نمایند و آن‌را در قنوت خویش بخوانند.^۱
استاد معرفت می‌گوید:

همین‌که گروه گردآورندگان قرآن در زمان عثمان که قرآن را جمع‌آوری می‌کردند، این دو سوره را به‌عنوان قرآن نوشتند، دلیل بر آن است که این دو سوره جزء قرآن نبوده و معروف به دعا بوده است. از سوی دیگر نظم و سبک قرآن، با نظم و سبک این دو سوره هم‌خوانی و هم‌آهنگی ندارد.^۲

۲. تشکیک در مصحف امام علی علیه السلام

گلدزیهر در کتاب *مذاهب التفسیر الاسلامی*، روایاتی را نقل می‌کند که علویون را قرآنی است که برحسب ترتیب نزول نوشته شد و این قرآن را علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم براساس ترتیب نزول جمع کرده و این ترتیب، با ترتیب عثمانی مخالفت دارد و این قرآن بر هفت جزء مشتمل است.^۳

گلدزیهر ادامه می‌دهد، به اعتقاد شیعه، مصحفی که علی علیه السلام نوشت، قرآن کامل است و به‌دست امامان شیعه یکی پس از دیگری به‌عنوان میراث امامت به ارث می‌رسد و آن، الان دست امام غایب مهدی علیه السلام است و روزی با همین قرآن قیام خواهد کرد.^۴

برخی خاورشناسان، مصحف امام علی علیه السلام را کامل می‌دانند و اعتقاد دارند که مصحف فعلی در مقایسه با آن، نقص و کاستی دارد.^۵ بی‌شک، امام علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرآن را براساس ترتیب نزول جمع‌آوری و این جمع‌آوری، براساس وصیت و سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود و دانش‌مندان عامه و خاصه در این موضوع، اتفاق نظر دارند.^۶

۱. همان، ص ۵۱، *آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره*، ص ۴۱۳.

۲. *صیانة القرآن من التحریف*، ص ۱۱۷.

۳. ص ۲۹۶-۲۹۷.

۴. همان، ص ۳۰۱-۳۰۵.

۵. *آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره*، ص ۴۲۷.

۶. *الاتقان فی علوم القرآن*، ج ۱، ص ۹۹؛ *سفینة البحار*، ج ۲، ص ۴۱۴.

شیخ مفید نیز در مسائل سرویه، تألیف قرآن علی بن ابی طالب را به همان ترتیب نزول می داند که سوره مکی بر مدنی و آیه منسوخ بر ناسخ مقدم بود.^۱ امام علی علیه السلام در مصحف خویش، شأن نزول بعضی از آیات، اسامی افرادی که آیه درباره آن ها نازل شده و هم چنین تفسیر و تأویل بعضی از کلمات را آورده است.^۲

بنابراین، وجود اضافات در مصحف امام علی علیه السلام به منزله تفسیر، تأویل و شأن نزول آیات بوده نه این که جزء متن قرآنی باشد که از قرآن فعلی کاسته شد و شخص امام علی علیه السلام و معصومان علیهم السلام چنین اعتقادی نداشته اند و بر درستی قرآن فعلی صحه گذاشته اند و برای وحدت مسلمانان از نشان دادن این قرآن حتی به یاران خویش، خودداری می کرده اند.^۳

۳. تشکیک در حذف سوره درباره فضایل اهل بیت علیهم السلام

عده ای با استناد به نوشته بعضی از بزرگان شیعه، چون *فصل الخطاب* میرزا حسین نوری، *تفسیر علی بن ابراهیم قمی*، *التنزیل والتحریف* محمد بن حسن صیرفی و احمد بن محمد سیاری و غیره، شیعه را به تحریف متهم کرده، می گویند انگیزه شیعیان برای ادعای تحریف قرآن، تلاش برای تلافی ناراحتی های ناشی از برکناری علی علیه السلام از صحنه خلافت و به دست گرفتن حکومت است. میخائیل براشر^۴ و اتان کلبرگ^۵ با استناد نوشته های بزرگان شیعه این ادعا را تأیید می کنند.^۶ گلدزیهر می گوید:

شیعه اعتقاد دارد که در مصحف عثمانی، نسبت به قرآن نازل شده بر پیامبر صلی الله علیه و آله تغییراتی دیده می شود، مثلاً در قرآن عثمانی، سوره هایی که در فضیلت اهل بیت بود، حذف شده است مثل سوره نورین که ۴۱ آیه

۱. مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۸۹، ص ۷۴.

۲. معرفت، *التمهید فی علوم القرآن*، ج ۱، ص ۲۲۸-۲۲۹.

۳. همان، ص ۲۳۲-۲۳۳.

4. Michael bracher

5. Etan Kohlberg

۶. مجموعه مطالعات قرآنی غرب، بولتن مرجع، ش ۶، ص ۷۷.

و سوره شیعه که هفت آیه داشت و این سوره ولایت، یعنی در دوستی
علی علیه السلام و ائمه بود.^۱

گلدزیهر اعتقاد شیعه به تحریف قرآن را از دو کتاب می‌آورد که مورد تأیید
شیعه نیست:

۱. کتاب *بیان السعادة فی مقامات العبادة*، نوشته سلطان محمد بن حیدر
البیدختی الگنابادی، زعیم فرقه نعمت‌اللهی که در طریقت به «سلطان‌علی شاه» ملقب
است. وی در سال ۱۲۵۱ قمری به دنیا آمد و کتاب خویش را در سال ۱۳۱۱ قمری
به پایان رساند. این کتاب اول بار در سال ۱۳۱۴ در تهران به چاپ رسید. گلدزیهر در
بررسی این کتاب، دو اشتباه مرتکب شده است: یکی این که چاپ کتاب را در سال
(۳۱۱ هـ - ۹۲۳ م) بیان می‌کند. دیگر این که نام نویسنده کتاب را سلطان محمد بن
حجر البجختی، به جای «محمد بن حیدر البیدختی» ذکر می‌نماید.^۲

۲. کتاب *دوم تفسیر علی بن ابراهیم قمی* است.^۳ این تفسیر را یکی از شاگردان
علی بن ابراهیم معروف به «ابوالفضل العلوی» ساخته و تفسیر استادش را با تفسیر
دیگران به ویژه تفسیر «ابی الجارود» خلط نموده است.^۴ خاورشناسان دیگر نیز
حذف سوره فضایل اهل بیت را نقل کرده‌اند.^۵

تحقیقی در پیدایش سوره نورین و شیعه

سوره نورین و شیعه از کجا پیدا شد و چگونه وارد قرآن گردید؟
خاورشناسان با چه دلیل و مدرکی، حذف سوره در فضایل اهل بیت را به
شیعه نسبت می‌دهند؟ شیعه اعتقاد دارد که چنین سوره‌هایی اصلاً بر
پیامبر صلی الله علیه و آله نازل نشده است. بزرگان شیعه چون آیت‌ا... خویی،^۶ شیخ مفید،^۷

۱. مذاهب التفسیر الاسلامی، ص ۲۹۴.

۲. همان، ص ۳۰۴.

۳. همان، ص ۳۰۴.

۴. صیانة القرآن من التحریف، ص ۹۶.

۵. آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره، ص ۴۱۵.

۶. البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳.

۷. المسائل السرویة، ص ۷۸.

شیخ صدوق،^۱ فیض کاشانی،^۲ محمدجواد بلاغی،^۳ علامه عسکری^۴ و بسیاری دیگر به نبود تحریف در قرآن اعتقاد دارند و معتقدند، چنین سوره‌هایی در قرآن نبوده است. خاورشناسان براساس کدام سند می‌گویند، شیعه چنین اعتقادی دارد! اگر در منابع نقل این سوره‌ها در آثار خاورشناسان تأمل نماییم، به این نتیجه می‌رسیم که این منابع، از کتب معتبر مسلمانان نیست. نولدکه آلمانی در کتاب *تاریخ قرآن*، به نقل از کتاب *دبستان مذاهب*، از سوره نورین یاد کرده و متن آن را در ۴۳ بند آورده است.^۵

گلدزیهر با تفصیل بیشتری به این مطلب پرداخته، می‌نویسد:

شیعه از آیاتی که ادعا می‌کند از قرآن ساقط شده، نشانی به‌دست نمی‌دهد و به‌جای آن سوره‌هایی را می‌آورد که به‌طور کلی از قرآن عثمانی ساقط شده؛ زیرا این سوره مشتمل بر تمجید علی علیه السلام بوده است.^۶

او در ادامه می‌نویسد:

در کتابخانه بانکپور هند، نسخه‌ای از قرآن پیدا شد که علاوه بر این سوره‌ها، دارای سوره نورین که ۴۱ آیه و سوره شیعیه بود که هفت آیه داشت، وجود داشته است. آن سوره‌ها در دوستی علی علیه السلام و ائمه بود.^۷

و تسدال^۸ همه این زیادات شیعه را در مقاله «زیادات شیعه در قرآن» در سال ۱۹۱۳ در مجله *The Moslem world* به زبان انگلیسی نشر داده است.^۹ متأسفانه گلدزیهر در نقل، این مطالب را به‌هیچ منبعی مستند نمی‌سازد و صرفاً می‌گوید: در کتاب بانکپور هند نسخه‌ای از قرآن پیدا شده است که در آن

۱. رساله الاعتقادات، ص ۸۴.

۲. تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۴۶.

۳. آلاء الرحمن، ص ۲۶.

۴. القرآن و روایات المدرستین، ج ۳.

۵. فتح الله نجارزادگان، افسانه سوره‌های نورین و ولایة، ص ۱۴.

۶. همان، ص ۱۴، مذاهب التفسیر الاسلامی، ص ۲۹۴.

۷. همان، ص ۲۹۴.

8. Testal.

۹. همان، ص ۲۹۵.

سوره نورین و شیعه وجود داشت اما این که این دو سوره از کجا وارد شد، یا این که کدام شیعه است که چنین اعتقادی دارد ذکر به میان نمی آورد. بنابر احتمال بسیار قوی، منابع سخن نولدکه و گلدزیهر و دیگرانی که از سوره نورین و ولایت سخن گفته اند، به کتاب *دبستان مذاهب* برمی گردد.^۱

آقای رحیم رضازاده ملک در ذکر مذهب اثنا عشریه می گوید:

و بعضی از ایشان گویند که عثمان مصاحف را سوخته، بعضی از سوره ها که در شأن علی و فضل آتش بود، برانداخت و یکی از آن سوره ها این است:

بسم الله الرحمن الرحيم، یا ایها الذین آمنوا، آمنوا بالنورین انزلناهما یتلوان علیکم آیاتی و یخدر انک عذاب یوم عظیم و نوران بعضهما من بعض و انا السميع العليم و...^۲

آن گاه همین سوره را در ۴۳ آیه (بند) بدون ذکر هیچ منبع و سندی بیان می کند. سؤال مهم این جاست، این کتابی که معتقدان به حذف سوره در فضایل اهل بیت، به آن اعتقاد دارند، با چه استنادی این سوره را ادعا کرده اند؟ این که نویسنده می گوید بعضی از شیعیان ادعا دارند که این دو سوره در شأن علی و آتش بود که در جمع قرآن از آن حذف گردید، این بعض کدامند؟ شیعه اعتقاد دارد که چنین سوره ای در قرآن نبوده است و اگر عثمان چنین می کرد، بعد از عثمان که علی علیه السلام خلیفه مسلمانان گردید، بر او واجب بود که قرآن را به حال اول برگرداند و این که امیرالمؤمنین علی علیه السلام به چنین کاری دست نزد، نشان دهنده تأیید مصحف عثمانی است. به علاوه در سوره مورد ادعای نویسنده *دبستان مذاهب*، اشکالات ادبی و بلاغی فراوان به چشم می خورد؛ از جمله، در همان بند اول، مناسب است که به جای کلمه انزلنا، کلمه ارسلنا یا بعثنا به کار برده شود و کلمه انزلنا به قول راغب اصفهانی، به معنای نزول و ریزش از بالا به پایین به کار می رود.^۳ پژوهش گر این کتاب، آقای رضازاده ملک در مقدمه همین کتاب می گوید:

۱. افسانه سوره های نورین و ولایت، ص ۱۹.

۲. دبستان مذاهب، ج ۱، ص ۲۴۶-۲۴۷.

۳. مفردات الفاظ قرآن کریم، ماده نزل.

مؤلف این کتاب داعیه‌دار آیینی ساختگی و قلابی بود و غرض اساسی‌اش، بی‌آن‌که آن‌را اظهار کند، سست‌کردن پایه‌های اعتقادی متدینین به ادیان و کشاندن آنها به جرگه معتقدین خود بوده است. این کتاب نخستین بار توسط انگلیسی‌ها که به غارت سرزمین پرنعمت هندوستان مشغول بودند، معرفی و به لاتین ترجمه شده است. با این حساب بعید نیست که انگلستان با درنظر داشتن دستورالعمل «تفرقه بینداز و حکومت کن»^۱ بسیاری از مطالب غلط و مغرضانه را جعل کرده باشد و چون این جعلیات، هیچ‌گونه سابقه نداشته است، احمقانه بودن آن‌ها از جبینشان پیداست.^۲

این احتمال وقتی قوت می‌گیرد که بدانیم چگونه همین استعمارگران در ایران، به دین‌سازان بی‌مایه و شیادان دروغ‌پیشه کمک کردند و زیر بالشان را گرفتند تا دکان‌هایی به اسم بابیه و بهاییه پرداختند و سال‌ها، تنور تفرقه و کوره جدال را گرم نگاه داشتند. در هر صورت کتاب *دبستان مذاهب* را چه انگلیسی‌ها نوشته باشند و چه نویسنده آن یک ناشناس زرتشتی باشد، بدون استناد به هیچ مدرک و سندی، دو سوره نورین و شیعیه را مطرح کرده و جالب این‌است که این دو سوره قبل از قرن یازده (زمان تألیف *دبستان مذاهب*) در هیچ‌یک از کتاب شیعیه و سنی مطرح نگردیده است.

آسیب‌شناسی مطالعات قرآنی شرق‌شناسان

مطالعات قرآنی خاورشناسان از دو بعد آسیب‌شناسی می‌شود:

الف) پیروی از گرایش‌های پنهان

یکی از روش‌های استفاده از قرآن این است که مفسر و پژوهش‌گر قرآن باید از قبل، ذهنش را از پیش‌داوری‌ها، تجرید و برهنه سازد^۳ و اجازه دهد که متن قرآن سخن بگوید، نه این‌که برداشت‌ها و گرایش‌های پنهان خویش را بر قرآن عرضه نماید. این موضوع به‌ویژه در پژوهش‌های خاورشناسان که قرآن را با

1. Divide and Rule.

۲. همان، ص مقدمه.

۳. *الاتقان فی علوم القرآن*، ج ۴، ص ۲۰.

انگیزه‌های تبشیری مطالعه می‌کنند، ملموس‌تر است. لذا آنان در این موارد، به صورت بی طرفانه و روی کرد صرفاً تحقیقی، با اسلام و قرآن مواجه نمی‌شوند و برخی از پیش فرض‌های خاورشناسان، مجالی برای نیل به حقیقت برای آنان ایجاد نمی‌کند.^۱

عبدالرحمن بدوی، دانش‌مند معاصر مصری، درباره روش گلدزیهر می‌گوید:

او در تحقیقات خود روش استدلالی داشت، نه استقرایی؛ با دستگاه ذهنی که نظریات و تصورات اجمالی در آن وجود دارد، به سراغ منابع می‌رفت تا انطباقی بین منابع مورد بحث و آن نظریات و طرح‌های اجمالی بیابد تا جایی که به مرز این نظریات وارد شود. چنین نبود که با ذهنی خالی از پیش‌داوری، به سراغ منابع برود تا هرچیزی را که ظاهر آنها می‌خواهد، بگوید و آن را گرد آورد، ادغام کند و انتظار داشته باشد که خود متن سخن بگوید. او شواهد گوناگونی برای تأیید نظرات و بیاناتش می‌آورد. در استناد به منابع و کشاندن مستندات از آن، فشار فراوانی وارد نمی‌کرد و از اعتدال خارج نمی‌شد، بلکه شواهد را به آهستگی و ظرافت زیادی به تصدیقات خود حرکت می‌داد.^۲

عرفان عبدالحمید موارد زیادی را در قرآن‌پژوهی خاورشناسان در پیروی از گرایش‌های پنهان بیان کرده است.^۳

بعضی از پژوهش‌گران گلدزیهر را در ردیف خاورشناسانی قرار می‌دهند که قلبی آکنده از حقد و کینه به اسلام و قرآن داشته‌اند و به منظور تخریب این دو، در متون اسلامی به کاوش و جست‌جو پرداخته‌اند تا شواهد و قرائینی در تشکیک و تضعیف اسلام و قرآن بیابند.^۴

۱. مجید معارف، «درآمدی بر قرآن‌پژوهی مستشرقان و آسیب‌شناسی آن»، پژوهش دینی، ص ۵۰، ش ۹، سال ۱۳۸۵.

۲. فرهنگ کامل خاورشناسان، ص ۳۳۱، ترجمه شکرالله خاکرند.

۳. نک: المستشرقون والاسلام، ص ۱۲ الی ۲۲.

۴. آراءالمستشرقین حول القرآن‌الکرم و تفسیره، ج ۱، ص ۸۲؛ مصطفی السباعی؛ الاستشراق ما لهم و ما علیهم، ص ۸۲.

ب) مراجعه به مطلق منابع و استفاده از احادیث نامعتبر

خاورشناسان در مطالعات قرآنی، به منابع حدیثی، فقهی، تاریخی و کلامی مسلمانان مراجعه کرده، آنچه را بیابند، مبنای استدلال خویش قرار می‌دهند، درحالی‌که منابع مسلمانان از نظر ارزش، اعتبار برابر ندارند و بعضی معتبر و مستند نیستند. آنچه «گلدزیهر و اتان کلبگر، با رجوع به منابع بزرگ شیعه، مانند تفاسیر علی بن ابراهیم قمی، عیاشی، میرزا حسین نوری، علی بن حسن بن فضال، صیرفی و احمد بن محمد، سیاری و... مطالبی بیان کرده‌اند و تحریف قرآن را به شیعه نسبت داده‌اند، درست نبوده و این منابع معتبر نیستند. آنان به احادیثی متمسک شدند که این بزرگان شیعه آنها را نقد کرده‌اند.^۱ کتاب سلیم بن قیس نمی‌تواند مبنای قضاوت باشد؛ زیرا اگرچه سلیم از اصحاب امیرالمؤمنین علی علیه السلام بود، آبان شاگرد سلیم، این کتاب را ساخته و به استادش نسبت داده است.^۲

کتاب القرائات احمد بن محمد سیاری، **تفسیر** علی بن ابراهیم قمی، **تفسیر ابی الجارود**، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری که منبع رجوع تحریف به وسیله اتان کلبگر بوده، از نظر شیعه معتبر نیست.^۳

نجاشی روایات احمد بن محمد سیاری (م ۲۸۶) را ضعیف و مذهب او را فاسد دانسته است.^۴ در مورد علی بن احمد کوفی (م ۳۵۲) گفته که در آخر عمر، راه غلو را در پیش گرفت.^۵

«یونس بن ظبیان» یکی دیگر از راویان احادیث تحریف قرآن است، نجاشی درباره او می‌گوید:

او جداً ضعیف است، به روایات او توجه نمی‌شود، همه‌ی نوشته‌هایش مخلوط است.

۱. **البيان فی تفسیر القرآن**، ص ۲۰۱ به بعد؛ **صيانة القرآن من التحريف**، ص ۱۵۹ به بعد؛ رسول جعفریان، **افسانه تحریف قرآن**، ص ۱۱۰ به بعد، مترجم محمود شریفی.

۲. **صيانة القرآن من التحريف**، ص ۲۲۵.

۳. همان، ص ۲۲۵-۲۳۳.

۴. **رجال**، ج ۱، ص ۲۱۱.

۵. همان، ج ۱، ص ۹۶.

ابن غضائری نیز گوید:

ابن ظبیان اهل کوفه، غلوکننده، دروغ گو و جاعل حدیث بود.^۱

منخل بن جمیل الاسدی و محمد بن حسن بن جمهور نیز از راویان احادیث تحریف قرآن هستند که علمای رجال آنها را ضعیف دانسته اند.^۲

کتاب *تفسیر طبری* و کتاب *تفسیر القرآن العظیم* ابن کثیر از نظر اعتبار یکسان نیستند؛ هم چنان که ارزش *تفسیر المیزان* علامه طباطبائی با *تفسیر نقلی البرهان* سید هاشم بحرانی و *فرات کوفی* برابر نخواهند بود. خاورشناسان به همه این تفاسیر مراجعه کرده و به مطالب آنها بدون جرح و تعدیل استناد نموده اند.^۳ گلدزیهر و دیگر خاورشناسان، احادیث صحیح و نادرست، احادیث مرسل و مسند، احادیث مقطوع و موصول، احادیث حسن و موثق و مضطرب و مدرج را در آمیخته و به طور یکسان، مبنای استشهاد و استدلال خود قرار داده اند.^۴

دقت در منابع کتاب های خاورشناسان، این ادعا را ثابت می کند.^۵ بعضی از خاورشناسان از جمله، کایتانی^۶ و شاخت،^۷ بر این عقیده اند که مسلمانان به نقد متن اهتمام نداشته و تمامی توجه خود را صرف نقد سند کرده اند.^۸ این حرف مورد اهتمام بعضی از دانش مندان مثل ابن خلدون است.^۹ و با جمله معروف «انظر الی ما قال و لاتنظر الی من قال» بیشتر هم آهنگی دارد، ولی عالمان رجال، شرط صحت حدیث را هم صحت متنی و هم صحت سندی می دانند. در صحت متنی می گویند: متن حدیث نباید با قرآن و سنت متواتر، و عقل و اجماع مخالف باشد و الفاظ آن غیر رکیک و از نظر متنی دارای اشکالی

۱. همان، ص ۸۳۸؛ علامه حلی، خلاصه الرجال، ص ۲۶۶.

۲. لتقی الدین الحسن بن علی داود الحلی، کتاب الرجال، ص ۲۷۱-۲۸۱.

۳. نک: سلمان رشدی، آیات شیطانی، ترجمه روشنگ داریوش (ایرانی) و محمود رامیار، تاریخ قرآن، ص ۱۷۹.

۴. نک: مذاهب التفسیر الاسلامی، ص ۹، ۲۵-۳۰، ۴۰، ۴۸.

۵. نک: نگارنده، نقدی بر ادعای تعارض در نصوص قرآن کریم، ص ۲۵۴-۲۶۱.

6. Caytany.

7. Schacht.

۸. مجید معارف، درآمدی بر قرآن پژوهشی مستشرقان و آسیب شناسی آن، ص ۵۳.

۹. مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۴۰.

ادبی و... نباشد و راویان حدیث از نظر عدالت، مورد وثوق باشند.^۱ ولی خاورشناسان فقط متن را در نظر گرفته، صحت آن را با معیارهای خود مقایسه می‌کنند و گویندگان متن را از نظر اعتبار و ارزش نمی‌نگرند. به عبارت دیگر، روش تحقیق آن‌ها در پژوهش‌های حدیثی و قرآنی، با روش تحقیق مسلمانان تفاوت عمیقی دارد. آنان دانش درایه‌الحدیث، رجال و علم‌الحدیث را در برداشت‌های حدیثی ارج نمی‌نهند و در روش بهره‌برداری از قرآن، از مسلمانان تبعیت نمی‌کنند؛ درحالی‌که قرآن، مطلق و مقید، ناسخ و منسوخ، مجمل و مبین، عام و خاص، حصر و اختصاص، و حقیقت و مجاز دارد و کسی که می‌خواهد از حدیث و قرآن بهره‌برداری کند، باید با روش تحقیق در حدیث و قرآن آشنا باشد و قرآن را زبان حدیث بیاموزد. اشتباه گلدزیهر و دیگر خاورشناسان این است که با نگاه غیروحیانی به قرآن می‌نگرند و می‌خواهند با عینک مادی به عمق معانی قرآن برسند.^۲ درحالی‌که فقط پاکان می‌توانند به عمق معانی قرآن فرو روند؛ زیرا خدای تعالی می‌فرماید: ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾.^۳

نتیجه

از بحث مورد نظر در این مقاله نتایج ذیل به دست می‌آید:

۱. طرح نظریه تحریف قرآن را عمدتاً خاورشناسان مطرح کردند. آنها تحریف قرآن را گاهی به شیعه و زمانی به اهل سنت نسبت می‌دهند تا با ایجاد تفرقه میان مسلمانان و گِل‌آلود ساختن آب، به اهداف خویش دست یابند.

۲. اگر بعضی از عالمان سنی و شیعه نظریه‌ی تحریف قرآن را پذیرفته‌اند، باید آن‌را نظریه شخصی آن‌ها تلقی کرد؛ زیرا برخی مسلمانان در رد نظریه آنها کتاب‌های زیادی نگاشته‌اند.

۱. نک: داوود معماری، مبانی و روش‌های نقد متن حدیث از دیدگاه اندیش‌وران شیعه، ص ۹۶ به بعد.

۲. نک: نقدی بر ادعای تعارض درنصوص قرآن کریم، ص ۲۶۰؛ محمدباقر حکیم، المستشرقون و شبیهاتهم حول القرآن، ص ۱۹.

۳. سوره توبه، آیه ۱۰۳.

۳. بسیاری از خاورشناسان و دانش‌مندان مسلمان همانند نولدکه، گلدزیهر و میرزا حسین نوری، نظریه حذف سور در فضایل اهل بیت را از کتاب *دبستان مذاهب* نقل کرده اند. این کتاب را یک ایرانی زرتشتی ناشناس در قرن یازده در هندوستان نوشت و انگلیسی‌ها آن را چاپ و منتشر کردند، این کتاب در بیان دو سوره «نورین و شیعیه» هیچ‌گونه سندی ذکر نمی‌کند.

۴. این‌گونه بحث‌ها اگر در محیط‌های علمی و آکادمیک مطرح گردد، سازنده خواهد بود، ولی اگر به صورت عمومی در رسانه‌ها طرح شود، ویران‌گر و تفرقه‌انگیز است. بنابراین، بر مسلمانان و نخبگان لازم است با بیداری و هشیاری، فرصت ایجاد تفرقه در صفوف مسلمانان را با حذف این شایعات از دست دشمن بگیرند.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اسفندیار، آذرکیوان، کیخسرو، دبستان مذاهب، به اهتمام رحیم رضازاده ملک، چاپ اول: تهران ۱۳۶۲.
۳. سعید، ادوارد، شرق شناسی، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، چاپ اول: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۳۷.
۴. بول اف، دائرة المعارف الاسلامیه، چاپ لیدن، مقاله تحریف، بی تا.
۵. الباقلائی، قاضی ابوبکر، اعجاز القرآن، دار احیاء العلوم، بیروت، ۱۹۸۸ م.
۶. بدوی عبدالرحمن، فرهنگ کامل خاورشناسان، ترجمه شکرالله خاکرند، چاپ اول: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، تهران ۱۳۷۵.
۷. بلاشررزی، در آستانه قرآن، ترجمه کتر محمود رامیار، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۶۵.
۸. بوکای، موریس، مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه مهندس ذبیح... دبیر، چاپ چهارم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۷۰.
۹. جعفر مرتضی عاملی، حقائق هامة حول القرآن (پژوهشی نو درباره قرآن کریم)، ترجمه محمد سپهری، ناشر شورای هم آهنگی تبلیغات اسلامی، بهمن ۱۳۷۴.
۱۰. حلی، تقی الدین الحسن بن علی بن داود، کتاب الرجال، منشورات الرضی، قم، ایران: ۱۳۹۲ قمری/ ۱۹۷۲ میلادی.
۱۱. حکیم، محمد باقر، المستشرقون و شبهاتهم حول القرآن، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت لبنان: ۱۴۰۵ قمری/ ۱۹۸۵ میلادی.
۱۲. خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، دار الزهراء، بیروت: ۱۳۹۵ قمری/ ۱۹۷۵ میلادی.

۱۳. رامیار، محمود، *تاریخ قرآن*، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۲.
۱۴. ربیع نتاج، سیدعلی اکبر، *نقدی بر ادعای تعارض درنصوص قرآن کریم*، دانشگاه مازندران، چاپ نیما، نوبت اول، ۱۳۸۱.
۱۵. رشدی، سلمان، *آیه‌های شیطانی*، ترجمه روشنگر ایرانی، نسخه موجود در کتابخانه سالن اهل قلم دفتر تبلیغات اسلامی، [در سایت اینترنت نیز موجود است].
۱۶. سباعی، مصطفی، *الاستشراق والمستشرقون مالهم و ماعلیهم*، چاپ سوم: بیروت المکتب الاسلامی، ۱۴۰۵ قمری/ ۱۹۸۵ میلادی.
۱۷. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، *الاتقان فی علوم القرآن*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم: منشورات الرضی بیداد، تهران ۱۳۶۳.
۱۸. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تصحیح و تعلیق سیدهاشم رسولی محلاتی، *دار احیاء التراث العربی*، بیروت لبنان، ۱۳۷۹ قمری ۱۳۳۹ میلادی.
۱۹. توسی، ابی جعفر محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، لبنان.
۲۰. عاملی، محمد بن حسین، *وسائل الشیعه*، مؤسسه آل‌البیت، قم ۱۴۰۹ قمری.
۲۱. عبدالحمید، عرفان، *المستشرقون والاسلام*، بغداد مطبعة الارشاد، ۱۹۶۹.
۲۲. عبدالصغیر، محمد حسین، *دراسات قرآنیة*، چاپ دوم: مرکز النشر، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۳ قمری.
۲۳. عمر بن ابراهیم، رضوان، *آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره*، دراسة و نقد، چاپ اول: دارطیبه، ریاض، ۱۴۱۳ قمری/ ۱۹۹۲ میلادی.
۲۴. غازی، عنایه، *شبهات حول القرآن و تفنیدها*، دار و مکتبه الهلال، بیروت، ۱۴۲۱ قمری/ ۲۰۰۰ میلادی.
۲۵. گلدزیهر، اگناس، *مذاهب التفسیر الاسلامی*، مکتبه الخانجی، مصر و مکتبه

- المثنی بغداد، ۱۳۷۴ قمری/ ۱۹۵۵ میلادی.
۲۶. ---- *العقيدة والشریعة فی الاسلام*، ترجمه: محمدیوسف موسوی، عبدالعزیز عبدالحق، علی حسن عبدالقادر، دارالرائد العربی، بیروت، لبنان.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، مؤسسة الوفاء، بیروت، لبنان ۱۴۰۳ قمری/ ۱۹۸۳ میلادی.
۲۸. مطهری، مرتضی، *تعلیم و تربیت در اسلام*، چاپ سی و پنجم: انتشارات صدرا، تیر ۱۳۷۹.
۲۹. معارف، مجید، *درآمدی بر قرآن پژوهی مستشرقان و آسیب شناسی آن*، پژوهش دینی، فصل نامه علمی - پژوهشی، ش ۹، ۱۳۸۴.
۳۰. معرفت، محمدهادی، *التمهید فی علوم القرآن*، چاپ دوم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۶۶ شمسی.
۳۱. _____، *صيانة القرآن من التحریف*، چاپ اول: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۳۲. _____، *تفسیر و مفسران*، چاپ سوم: مؤسسه ی فرهنگی تمهید، ۱۳۸۵ شمسی.
۳۳. معماری، داوود، *مبانی و روش های نقد متن حدیث از دیدگاه اندیش وران شیعه*، دفتر تبلیغات اسلامی شیعه خراسان ۱۳۸۴.
۳۴. موسوی خمینی، روح الله، *تهذیب الاصول*، با تقریرات آیت.. جعفر سبحانی، انتشارات جامعه مدرسین.
۳۵. میرمحمدی، ابوالفضل، *بحوث فی تاریخ القرآن و علومه*، الناشر: دارالتعارف للمطبوعات شارع سوريا، ۱۴۰۰ قمری/ ۱۹۸۰ میلادی.
۳۶. نجارزادگان، فتح الله، *افسانه سوره های نورین و ولایة*، مقالات و بررسی ها، دفتر ۷۳، تابستان ۸۲.
۳۷. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، *رجال النجاشی*، بیروت، ۱۴۰۹ قمری .